

## دیپلماسی علمی ایران در آسیای مرکزی

الهه کولایی \*

عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی مطالعات منطقه ای، دانشگاه تهران

سارا روا

دانش‌آموخته مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱۰/۱ - تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۱۱/۱۴)

### چکیده

دیپلماسی علمی مفهومی است که در قرن بیست و یکم، به سبب پیشرفت‌های فناورانه در حوزه‌های مختلف دانش بشری مطرح شده و بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به طور کلی این مفهوم به همکاری‌های علمی دولت‌ها و ملت‌ها، به منظور رسیدگی و حل و فصل چالش‌های مشترک مربوط است. امروزه دیپلماسی علمی به عنوان ابزاری مناسب جهت ایجاد ارتباط میان ملت‌ها و دستیابی به منافع مشترک مورد توجه قرار می‌گیرد. منطقه ی آسیای مرکزی که شامل ۵ کشور است، هم به سبب مجاورت جغرافیایی و هم به واسطه ی پیوندهای تاریخی با ایران از اهمیت قابل توجهی برای ایران برخوردار است. در بیش از دو دهه از استقلال این کشورها تاکنون، فضای جدیدی از نظر ارتباطات و تعامل بر این منطقه حاکم شده که برای جمهوری اسلامی ایران نیز دارای اهمیت است. یکی از مسائلی که جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی و از جمله آسیای مرکزی، در دوره ی پس از فروپاشی با آن روبه رو شدند، ضعف دانش و فناوری تخصصی در حوزه‌های مختلف و همچنین کمبود نیروهای متخصص در این حوزه‌ها بود که دلیل آن وابستگی به مرکز اتحاد (روسیه) بود. پیشرفت‌های ایران در عرصه ی علم و فناوری، مورد تأیید و شناسایی بین‌المللی قرار گرفته و می‌توان این مؤلفه را به عنوان قدرت نرم ایران در روابط با کشورهای آسیای مرکزی مورد استفاده قرار داد. سوال پژوهش حاضر این است که فرصت‌ها و چالش‌های ایران در استفاده از ابزار دیپلماسی علمی در روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی چیست؟ برای پاسخ به پرسش اصلی، فرضیه ی نویسندگان این است که عواملی مانند ضعف علمی و فناوری این کشورها پس از اتحاد شوروی و رویکرد مثبت این کشورها به روابط با ایران، زمینه ی مساعدی برای استفاده ی ایران از دیپلماسی عمومی در مورد این کشورها فراهم کرده است. روش گردآوری داده‌های این پژوهش، توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده است.

کلیدواژه ها:

ایران، دیپلماسی علم و فناوری، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان.

## مقدمه

آسیای مرکزی از مناطقی است که می‌تواند زمینه‌ی مناسبی در حوزه‌ی دیپلماسی علمی برای ایران فراهم کند. ظرفیت‌های علمی و فنی پیشرفته‌ی ایران در مقایسه با بسیاری از جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی و نیز در مقایسه با دیگر همسایگان آنها، می‌تواند به منظور ایجاد فرصت‌های بیشتر در روابط با کشورهای آسیای مرکزی، به کار گرفته شود. این کشورها مانند دیگر کشورهای برجای مانده از اتحاد شوروی، با مشکلات بسیاری ناشی از بی‌توجهی این ابرقدرت به توسعه‌ی پایدار روبه‌رو هستند. پیامدهای برخی از این دشواری‌ها به دلیل همسایگی و نزدیکی جغرافیایی، متوجه ایران هم می‌شود و تلاش مشترک برای مقابله با آنها ضروری است. عقب ماندگی اتحاد شوروی در عرصه‌ی فناوری پیشرفته و صنایع مصرفی، در واپسین سال‌های دوره‌ی جنگ سرد، دیگر میراث مشترک میان این کشورها است که هنوز کم و بیش با پیامدهای آن دست و پنجه نرم می‌کنند. بسیاری از رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران به تأسیس مدرسه و دانشگاه و انواع همکاری‌های علمی با این کشورها مبادرت ورزیده‌اند، تا تحقق اهداف گسترده‌تر سیاست خارجی خود را در بلندمدت آسان‌تر کنند.

بنابراین ضروری است سیاستگذاران خارجی ایران بیش از گذشته دیپلماسی علمی را در روابط با این منطقه در دستور کار قرار دهند. آشکار است، هرکدام از این کشورها توانمندی‌های علمی خاصی برای مبادله با ایران دارند. توسعه‌ی همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند برای هر دو طرف نتیجه‌بخش باشد. دیپلماسی علمی نوعی همزیستی میان منافع و انگیزه‌های اهالی علم و سیاست ایجاد می‌کند. اهالی علم از همکاری‌های بین‌المللی اهدافی چون دستیابی به بهترین استعدادها، امکانات پژوهشی و منابع مالی را دنبال می‌کنند و دیپلمات‌ها در جستجوی کانال‌ها و شبکه‌های جدید ارتباطی برای حمایت از اهداف سیاست خارجی هستند (Turekian&Neureiter,2012).

فعالیت‌هایی که دولت‌ها برای ایجاد تصویری مطلوب از کشور خود در اذهان بیگانگان انجام می‌دهند، پدیده‌ی تازه‌ای نیست و قدمتی طولانی دارد. اما تصویرسازی حرفه‌ای در ورای مرزهای ملی، پس از جنگ جهانی اول آغاز شد. رشته‌ی نوپای سیاست بین‌الملل نیز به اهمیت آنچه امروز قدرت نرم خوانده می‌شود، پی برد. ای‌اچ کار در کتاب بحران بیست ساله در کنار قدرت اقتصادی و قدرت نظامی، به قدرتی که بر افکار اثر می‌گذارد، اشاره دارد (Melissen,2005,4). دیپلماسی علمی عبارت است از همکاری‌های علمی میان ملت‌ها به منظور مقابله با مشکلاتی که بشریت با آن روبه‌رو است و نیز به منظور ایجاد مشارکت سازنده در سطح بین‌المللی. دانشمندان می‌توانند از راه‌های گوناگون به این فرآیند کمک کنند (Fedoroff,2009,9). دیپلماسی علمی می‌تواند در برگیرنده‌ی شماری از مبادلات رسمی و غیررسمی فنی تحقیق و دانشگاهی باشد. دیپلماسی علمی به سه نوع فعالیت اشاره دارد:

علم در دیپلماسی: می‌تواند فراهم کننده‌ی مشورت برای تدوین سیاست خارجی باشد.

دیپلماسی برای علم: دیپلماسی می‌تواند همکاری‌های علمی بین‌المللی را تسهیل کند.

علم برای دیپلماسی: همکاری علمی می‌تواند به بهبود روابط بین‌المللی بیانجامد.

فعالیت نوع سوم یعنی علم برای دیپلماسی، به کاربرد علم به عنوان ابزار بهبود روابط تیره و تاریک کشورهای مختلف بر می‌گردد. موافقت نامه‌های همکاری و کمیسیون‌های مشترک علمی آمریکا با اتحاد شوروی و چین نمونه‌هایی از این فعالیت و نقش دانشگاه و دانشمندان در دیپلماسی هستند (Committee on Global Science Policy, 2011, 27&38).

دیپلماسی در معنای اولیه خود به عنوان ابزاری در دست حکومت‌ها شناخته می‌شود. دیپلماسی علمی نیز می‌تواند شیوه‌ای برای تغییر دستور کار ملی تلقی شود؛ یا به عبارت دیگر یکی از مؤلفه‌های «قدرت نرم». دیپلماسی علمی از سوی دولت اجرا می‌شود و سیاستگذاری در مورد آن بر عهده حکومت‌ها است. کارآمدی دیپلماسی علمی به همکاری و هماهنگی نهادهای دولتی با بخش خصوصی بستگی دارد (Committee on Global Science Policy, 2011, 25). جهانی شدن فزاینده‌ی علم، بدان معناست که حمایت از تبادل علمی در سطح بین‌المللی به سرعت اهمیت بیشتری می‌یابد. شکل‌گیری توانمندی‌های جدید علمی در کشورهای خارج از جهان توسعه یافته، ضرورت برقراری کانال‌های ارتباط علمی را برجسته می‌کنند (Berg, 2010, 70).

#### ۱. چارچوب مفهومی: دیپلماسی علمی

از دیدگاه کلی دیپلماسی علمی، به معنای بهره بردن از همکاری میان ملت‌ها برای پرداختن به مسائل مشترک و ایجاد یک همکاری سازنده در عرصه بین‌المللی است. «آکادمی جهانی علوم» که به طور تخصصی فعالیت در چهارچوب دیپلماسی علمی را در دستور کار خود دارد، در تعریف خود از این مفهوم اشاره می‌کند که دیپلماسی علمی می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد: «زمانی که دولت‌ها برای مذاکره جهت رسیدن به توافق در موضوع‌هایی همچون مدیریت شیلات و نظارت و بیماری‌های واگیردار گرد هم جمع می‌شوند، به تخصص علمی نیاز دارند. زمانی که دانشمندان و پروژه‌های چند ملیتی درباره علوم فضایی یا فیزیک گرد هم می‌آیند، دولت‌های آنها توافق‌های دیپلماتیک را برای مدیریت و تأمین مالی این پروژه‌ها تدوین می‌کنند. زمانی هم که روابط سیاسی میان دو کشور تیره یا قطع می‌شود، تلاش‌های مشترک در حوزه پژوهشی می‌تواند به آنها ابزاری جهت ادامه مذاکره و اعتمادسازی بدهد» (TWAS, 2016). از جنبه تاریخی دیپلماسی علمی مفهومی است که پس از جنگ جهانی دوم به طور جدی مورد توجه و استفاده قرار گرفت. در این دوره، دیپلماسی علمی بیشتر ناظر بر همکاری‌های بین آمریکا و اتحاد شوروی بود. در شرایطی که تعاملات سیاسی بین کشورهای مختلف، به ویژه آمریکا و اتحاد شوروی به بن بست رسیده بود، تعاملات و همکاری‌های حوزه‌های علم و فناوری می‌توانست یک ارتباط حداقلی بین این کشورها برقرار کند. در واقع، تحلیلگران به این نتیجه رسیده بودند که فناوری این ظرفیت را دارد که بین بازیگران مختلف عرصه بین‌الملل تعامل‌های پایداری برقرار کند. پس از جنگ جهانی دوم، نهادها و سازمان‌هایی نیز ایجاد شد که در حوزه علمی و فناوری مشغول فعالیت هستند. تاکنون در این مجموعه‌ها، پیمانها و کنوانسیون‌های مختلفی نیز بسته شده و به تصویب رسیده که از مشهورترین آنها می‌توان به «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (ان پی تی) اشاره کرد. ان پی تی دارای دو وجه است؛ از یک نظر، امنیتی - سیاسی است و از منظری دیگر، یک پیمان علمی - فناوری است که ساز و کارهای دستیابی به فناوری هسته‌ای را مشخص می‌کند و سامان می‌دهد (براتی، ۱۳۹۳). با این حال برخی از دانشمندان، مفهوم «قدرت هوشمند» که ابتدا در سال ۲۰۰۴ توسط سوزان ماسل مطرح شد (Nossel, 2004) و سپس توسط جوزف نای به طور مشخص جهت تدوین راهبردی برای سیاست خارجی آمریکا مورد توجه قرار گرفت، بیش از پیش کاربرد دیپلماسی علمی را مورد توجه قرار می‌دهد. از دید نای، قدرت هوشمند به معنای توانایی ترکیب قدرت نرم و سخت در قالب یک راهبرد موفق است (Nye, 2007). در تعریف دقیق این مفهوم، نای در مقاله‌ای به همراه ریچارد آرمیتاژ نوشت: «در یک جهان در حالت تحول، آمریکا باید از طریق

سرمایه‌گذاری دوباره در راستای دستیابی به خیر عمومی، به یک قدرت هوشمندتر تبدیل شود؛ یعنی تأمین چیزهایی که مردم و دولت‌ها خواستار آن هستند، اما نمی‌توانند بدون رهبری آمریکا به آن دست یابند. با در هم آمیختن قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا با سرمایه‌گذاری بیشتر در قدرت نرم، واشنگتن می‌تواند چهارچوبی را برای غالب شدن در چالش‌های دشوار جهانی به وجود آورد (Armitage & Nye, 2007). نای، منابع اصلی قدرت نرم را این گونه بر می‌شمارد (Nye, 2004: 11):

- فرهنگ یک کشور (بخش‌هایی از آن که برای دیگران جذاب است)،
- ارزش‌های سیاسی یک کشور (که در داخل و خارج بر اساس آن‌ها عمل می‌کند)،
- سیاست خارجی یک کشور (که به نظر مشروع و واجد اعتبار اخلاقی است)،

ارزش‌هایی که یک حکومت در داخل (مانند دموکراسی)، نهادهای بین‌المللی (مانند همکاری با دیگران) و سیاست خارجی (مانند صلح و حقوق بشر) از آنها حمایت می‌کند، به گستردگی بر ترجیحات دیگر بازیگران اثر می‌گذارد. اما قدرت نرم به اندازه‌ی قدرت سخت، در انحصار دولت نیست. فرهنگ هر کشور را می‌توان به دو شاخه‌ی هنر والا شامل هنر و ادبیات و هنر مردمی که دربرگیرنده‌ی جنبه‌های سرگرم‌کننده‌ی این پدیده است، تقسیم کرد. فرهنگ مردمی ظرفیت بسیاری برای تولید قدرت نرم و جذب مردم دیگر کشورها دارد؛ به ویژه در مواقعی که یک بستر فرهنگی مشابه و ارزش‌های مشترک موجود است. البته موفقیت همه‌ی انواع قدرت به زمینه و بستر - چه کسی به چه کسی در چه شرایطی مرتبط است - متکی است. اما این عامل برای تحقق قدرت نرم بیش از قدرت سخت اهمیت دارد (Nye, 2004: 11-15).

علم، منبع همان چیزی است که نای آن را «قدرت نرم» می‌خواند. جامعه‌ی علمی معمولاً به مسائلی فرامرزی می‌پردازد که دغدغه‌ی مشترک کشورها است. در صورت همسویی اهداف گسترده‌تر سیاست خارجی، این کانال‌های مبادله‌ی علمی مسائل حسّاس - مانند عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای - می‌تواند راهی مؤثر برای رسیدن به سایر اشکال گفت‌وگوی سیاسی باشد (The Royal Society, 2010: vi).

## ۲. رویکرد جمهوری اسلامی ایران به دیپلماسی علمی

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام برآمده از انقلاب اسلامی، از همان ابتدا گزارش آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگی مورد نظر خود را در دستور کار قرار داد، ریشه‌ی اقدام‌های مرتبط با دیپلماسی علمی در جمهوری اسلامی ایران را می‌توان پیش از هر چیز در چهارچوب مفهوم کلی در دیپلماسی فرهنگی کشور مورد توجه قرار داد. به طور کلی، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از تلاش و کوشش و اقدام‌های از پیش طراحی شده و سازمان یافته‌ی این کشور برای تأثیرگذاری بر برداشت‌ها، ادراک‌ها، افکار، نگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها و باورهای ملت‌ها و کشورهای دیگر از راه تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی و انقلاب اسلامی و شناخت و درک واقعی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر به منظور تأمین و توسعه‌ی منابع ملی است.

اهداف اصلی این نوع دیپلماسی را می‌توان به این صورت برشمرد: ارائه‌ی ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ جهان؛ ارائه‌ی تصویری روشن و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی منطبق با مکتب سیاسی امام خمینی؛ تصویرسازی از ایرانی پیشرفته و تحوّل خواه در عرصه‌های علم و سیاست و فرهنگ، به گونه‌ای که سنت‌ها، باورها، تاریخ، پیشرفت‌های علمی، فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانیان برای سایر ملل، در متن آن تعریف می‌شود. حوزه‌ی عمل

دیپلماسی فرهنگی در عرصه ی فرهنگ، ملموس و غیرملموس بسیار وسیع است و عرصه های علم و فناوری و آموزش و رسانه را در بر می گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۶۴-۶۳).

بر اساس آمارهای بین المللی، در سال ۲۰۱۵ سهم دیپلماسی علمی از کل تولید علم دنیا ۲۲ درصد بوده است. به این معنی که ۲۲ درصد تولید علم دنیا با مشارکت دست کم دو کشور صورت پذیرفته است. این رقم برای ایران در همین سال ۲۳ درصد گزارش شده است. در آن سال همچنین بیش از ۲۰۰ دانشمند ایرانی مقیم داخل در فهرست دانشمندان تأثیرگذار یک درصد برتر دنیا قرار گرفتند؛ همچنین دانشمندان و پژوهشگران کشور در سال ۲۰۱۶ توانستند ۱/۹ مقاله های علمی دنیا را تولید کنند. این در حالی است که ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، توانسته ۱/۹ درصد تولیدات علمی دنیا را تولید کند. این رقم در سال ۲۰۰۰، ۱۴ صدم درصد و در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ حدود ۱/۵ درصد بوده است (ایسنا، ۱۳۹۵). در بخش آثار توافق هسته ای و بهبود فضای دیپلماسی علمی ایران، آمارهای وزارت علوم ایران نشان می دهد که در فاصله ی سه ماه پس از امضای این توافق، ۲۱ هیأت بلندپایه ی علمی و فناوری از کشورهای مختلف جهان از جمله: آلمان، اتریش، ایتالیا، ژاپن، فرانسه، سوئیس و نهادهای بین المللی همچون مؤسسه ی ماکس پلانک آلمان، مراکز پژوهشی کشورهای آسیایی مانند: چین، ژاپن و کره به ایران سفر کردند و با دانشگاه های ایرانی تفاهم نامه های همکاری امضا کردند (ایسنا، ۱۳۹۴).

موضوع	سال ۲۰۱۰	سال ۲۰۱۱	سال ۲۰۱۲	سال ۲۰۱۳	سال ۲۰۱۴	سال ۲۰۱۵	سال ۲۰۱۶	سال ۲۰۱۷
تعداد مدارک نمایه شده در پایگاه	۲۲۳۸۹	۲۸۵۹۹	۳۰۵۶۸	۳۱۰۸۲	۳۲۹۲۱	۴۲۵۰۳	۴۲۵۰۳	۳۰۷۲
سهم از کل تولید علم دنیا	۱،۱۲ درصد	۱،۳۷ درصد	۱،۳۷ درصد	۱،۳۳ درصد	۱،۳۸ درصد	۱،۴۹ درصد	۱،۷۳ درصد	۲،۳۶ درصد
رتبه در بین کشورهای اسلامی بر حسب کمیت تولید علم	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱
رتبه ی بین المللی کمیت تولید علم	۲۲	۱۹	۲۰	۲۱	۲۱	۱۹	۱۷	۱۴
سهم دیپلماسی علمی از کل تولید علم کشور (تولید مقاله ی علمی با مشارکت بین المللی) در ISI	۱۷ درصد	۱۸ درصد	۱۸ درصد	۲۱ درصد	۲۳ درصد	۲۳ درصد	۲۳ درصد	-
سهم مقالات ایران از مقالات یک درصد برتر دنیا در ISI	۰،۷۰ درصد	۰،۶۰ درصد	۰،۸۰ درصد	۱،۰۰ درصد	۱،۲۰ درصد	۱،۴۰ درصد	۲،۲۰ درصد	-
تعداد مقالات برتر ایران از مقالات یک درصد برتر دنیا در ISI	۸۳	۷۷	۱۰۶	۱۴۲	۱۸۳	۲۱۴	۲۶۳	-

جدول ۱. تولیدات علمی ایران و رتبه در سال های مختلف (مهر، ۱۳۹۶)

در مجموع می توان گفت از مجموع اقدام های انجام گرفته از سوی ایران در عرصه ی دیپلماسی علمی، می توان شش جنبه یا بعد متمایز و در همان حال به هم پیوسته را مورد شناسایی قرار داد:

۱. بعد فرهنگی: شامل مؤلفه‌های برنامه‌های آموزشی و تعامل بین فرهنگی، اعزام سفیران فرهنگی متشکل از دانشگاهیان و نخبگان فرهنگی به سایر دانشگاه‌های جهان، اعزام راین‌های علمی و خارج از کشور، ارتباط با کرسی‌های اسلام شناسی برگزار کرسی‌های ایران شناسی و حمایت از کرسی‌های زبان فارسی در خارج از زبان‌های مهم خارجی در ایران.

۲. بعد پژوهشی: شامل مؤلفه‌های کتب مشترک دانشگاهی به زبان‌های بین‌المللی، برگزاری همایش‌های بین‌المللی مشترک، پروژه‌های پژوهشی مشترک با دانشگاه‌های بین‌المللی، ایجاد کرسی‌های بین‌المللی آموزشی و پژوهشی، تشکیل پارک‌ها و مراکز رشد و قطب‌های علمی منطقه‌ای و بین‌المللی، راه اندازی نشریه‌های پژوهشی بین‌المللی و تأسیس مراکز پژوهشی و توسعه علمی بین‌المللی.

۳. بعد آموزشی: شامل مؤلفه‌های برنامه‌های درسی مشترک دانشگاهی، برگزاری آزمون‌های بین‌المللی، برگزاری دوره‌ها و آموزش کارگاه‌های آموزشی مشترک بین‌المللی، دانشگاه‌های مجازی و آموزش از راه دور بین‌المللی، مبادله محتوای آموزشی و دیگر اطلاعات علمی و ایجاد رشته‌های مشترک دانشگاهی.

۴. بعد اجرایی: شامل مؤلفه‌های ارتباط با ایرانیان مقیم کشورهای دیگر، اعطای مدارک تحصیلی مشترک با دانشگاه‌های بین‌المللی، عضویت و مشارکت فعال در سازمان‌ها و انجمن‌های علمی بین‌المللی، مبادله و تعامل‌های علمی و پژوهشی از راه پایگاه‌های مجازی، اجرای قراردادها و تفاهم‌نامه‌های علمی، آموزشی و فنی، تأسیس دانشگاه‌های مشترک بین‌المللی و ایجاد شعبه‌های دانشگاهی در دیگر کشورها.

۵. بعد پرسنلی: شامل مؤلفه‌های اعزام دانشجویان به خارج از کشور (بورسیه)، جذب دانشجویان خارجی، تسلط دانشگاهیان به زبان‌های مهم خارجی، جذب اعضای هیأت علمی خارجی، اعزام اعضای هیأت علمی برای تدریس در دانشگاه‌های خارج از کشور به صورت مدعو، دادن فرصت مطالعاتی به اعضای هیأت علمی و دادن فرصت مطالعاتی به دانشجویان.

۶. بعد رفاهی: شامل مؤلفه‌های اعطای تسهیلات دانشجویی جهت ویزا، اقامت، اجازه کار و دادن جوایز علمی مشترک بین‌المللی (محسنی سهی و محسنی سهی، ۱۳۹۴، ۱۰۷-۱۰۲).

### ۳. ایران و کشورهای آسیای مرکزی

ارتباط بین ایران و منطقه آسیای مرکزی، قبل از اسلام و حتی قبل از پیدایش مسیحیت به وجود آمده است؛ یعنی زمانی که قسمت بزرگی از آسیای مرکزی امروزی، بخشی از تمدن ایرانی بود. با تقلید از نظام آموزشی و تربیتی ایرانیان قدیم، مدارس آسیای مرکزی به سرعت پیشرفت کردند و به مراکز تعلیم و تربیت دانشمندان بزرگ تبدیل شدند. در دوران اسلامی نیز فرهنگ اسلامی، علوم و فنون، آموزش و پرورش، فلسفه، هنر و ادبیات آسیای مرکزی با بهره‌گیری از این نظام آموزشی، پیشرفت چشم‌گیری داشت. حتی در زمان حکومت ترک‌ها در ایران که از گسترش مذهب شیعه ممانعت می‌کردند، ایرانیان تأثیر زیادی روی زندگی سیاسی و فرهنگی منطقه داشتند (سنایی، ۱۳۷۶: ۳۳-۳۱).

منطقه آسیای مرکزی که طی دو قرن تحت نفوذ روسیه قرار داشت، به صورت تاریخی جزو قلمرو ایران زمین محسوب می‌شود و به همین سبب اشتراکات تاریخی و فرهنگی بسیاری با ایران برخوردار است. فروپاشی اتحاد شوروی و به وجود آمدن پنج کشور مستقل در منطقه آسیای مرکزی، موجب نگاه دوباره‌ی ایران به منطقه شد. در این بین همجواری تاریخی و فرهنگی ایران با ملل و اقوام منطقه، عاملی مهم در جهت توسعه‌ی همکاری‌های همه‌جانبه به حساب می‌آید. با این حال

تاکنون به دلایل بی‌شماری، ایران با قرار گرفتن در جایگاهی مناسب، در برقراری روابط شایسته با کشورهای آسیای مرکزی فاصله دارد (سنایی، ۱۳۹۰، ۲). وجود تجانس ساختاری بین ایران و آسیای مرکزی و ظرفیت‌های وابستگی آسیای مرکزی نسبت به ایران که بعضاً به صورت متقابل عمل می‌نماید و همچنین فرصت‌هایی که بر اساس شکاف ناشی از رقابت بازرگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و جهانی به دست می‌آید، زمینه‌های نقش آفرینی ایران را بر اساس علائق ژئوپلیتیک در منطقه به وجود می‌آورد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۶، ۸۲).

با وجود اشتراکات فراوان میان ایرانیان و مردم منطقه، هنگامی که کشورهای آسیای مرکزی به استقلال رسیدند، ایران از یک سو در صدد معرفی فرهنگ اسلامی به منطقه برآمد و از سوی دیگر اشتراکات و پیوندهای فرهنگ و هویت نژادی، قومی و زبانی با مردم آسیای مرکزی را زمینه‌ی فعالیت‌های متنوع فرهنگی قرار داد. در این شرایط، ایران با احساس قرابت تاریخی و فرهنگی به آسیای مرکزی با اتخاذ سیاستی واقع‌بینانه، به بسط مناسبات فرهنگی با این جمهوری‌ها پرداخت.

#### ۴. دیپلماسی علمی ایران در آسیای مرکزی

پذیرش دانشجوی خارجی از جمله مسائلی است که مورد توجه شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفته است. این شورا در مصوبه‌ی سازماندهی فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی و فوق برنامه‌ی دانشجویان خارجی در فروردین ۱۳۵۸ تأکید کرده است: یکی از مهمترین اهداف جذب و آموزش دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های کشور، برقراری تعاملات علمی، فرهنگی و اجرایی پس از فراغت از تحصیل آنهاست. این امر خود بستگی به تصویری خواهد داشت که در ذهن این دانشجویان از فرهنگ ایرانی - اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در طول مدت اقامت آنان در ایران شکل می‌گیرد که در وجه مثبت آن، آنان را در مقام سفیران فرهنگی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۵).

در میان کشورهای منطقه، کمترین تبادل دانشجو بین ایران و ازبکستان وجود دارد و به دلیل نبود تفاهم نامه در خصوص تبادل دانشجو، تقریباً هیچ اقدامی در این زمینه انجام نشده است. این در حالی است که در دو شهر بزرگ قدیمی ازبکستان، یعنی سمرقند و بخارا، ابنیه‌ی تاریخی زیادی از فرهنگ و تمدن قدیم ایران بر جای مانده و مردم این کشور، به ویژه قشر تحصیل کرده و دانشگاهی این جمهوری، به توسعه‌ی روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با ایران تمایل نشان می‌دهند (حق پناه، ۱۳۹۳، ۸۶-۸۷).

با توجه با اینکه ساختار جمعیتی ایران متمایز است، ظرفیت بالقوه‌ای در رشد اقتصادی در آینده خواهد داشت. ۷۰ درصد جمعیت کشور زیر ۳۰ سال دارند و تنها ۴ درصد بالاتر از ۶۵ سال دارند. در این میان ۳۱ درصد رشته‌های گوناگون مهندسی در حال تحصیل هستند یا فارغ التحصیل شده‌اند (Иванов, 2014, 35).

کشور	تعداد دانشجو (سال ۹۴)
ازبکستان	۰
ترکمنستان	۲
تاجیکستان	۵۸

۵	قزاقستان
۲	قرقیزستان

جدول ۲. تعداد دانشجویان بورسیه شده در ایران (وزارت علوم تحقیقات و فناوری)

## ۵. فعالیت‌های کشورهای رقیب

**ترکیه:** پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پیدایش کشورهای جدید در منطقه ی آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای همسایه اقدامات متنوعی را برای بهره‌برداری از منابع این منطقه انجام دادند. کشور ترکیه یکی از کشورهایی که با توجه به پیشینه ی تاریخی و سیاسی خود، تلاش می‌کند از ابزار فرهنگی برای پیشبرد اهداف و منافع ملی خود در این منطقه سود ببرد. لذا در سال‌های اخیر، دیپلماسی فرهنگی ترکیه در منطقه ی آسیای مرکزی، توسعه یافته است. مهمترین اقدام در این زمینه تلاش نخبگان سیاسی ترکیه برای معرفی این کشور به عنوان الگوی توسعه و پیشرفت است. اهداف و میزان موفقیت ترکیه تاکنون مورد ارزیابی‌های متفاوت قرار گرفته است. نهادهایی در ترکیه وجود دارند که به صورت رسمی، فرهنگ ترکیه را در خارج از مرزهای آن گسترش می‌دهند؛ این نهادها در کنار نهادهای غیر رسمی و خصوصی فعالیت می‌کنند که موفق نیز عمل کرده‌اند.

۱. اداره کل امور فرهنگی.

۲. وزارت فرهنگ و گردشگری: این وزارت برگزاری سالانه ۱۰ جشنواره ی فیلم در ترکیه را برعهده دارد. همچنین وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه حامی ناشرانی است که کتاب ترکی را به زبان‌های دیگر ترجمه می‌کنند. این اقدام در قالب طرحی به نام طرح «تدا» صورت می‌گیرد (ارس و کاه، ۱۳۸۱، ۵۱).

۳. اداره کل دیپلماسی عمومی: نهاد دیپلماسی عمومی، بررسی و تحلیل و بازتاب خبرهای ترکیه در رسانه‌های جهان را پیگیری و نقاط آسیب‌پذیر را رصد می‌کند. این نهاد همچنین کارهای خبرنگاران و رسانه‌های خارجی حاضر در ترکیه را نظارت و ارزیابی کرده و هر ساله نیز یکی از خبرنگاران خارجی مقیم ترکیه را که کارهای شاخصی انجام داده، تشویق می‌کند و به او هدیه می‌دهد (صولت، ۱۳۹۱).

۴. سازمان آموزش عالی ترکیه: از کودتای ۱۹۸۱ در ترکیه تأسیس شد و بر فعالیت دانشگاه‌های ترکیه نظارت می‌کند. مبادله و جذب دانشجویان، مبادله ی استاد، تأسیس کرسی‌های زبان و ادبیات ترکی در کشورهای دیگر از طریق این سازمان پیگیری می‌شود. پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای ترک زبان، قانونی در ترکیه تصویب شد که تنها یک سوم هزینه ی دانشگاه از ترک زبان‌ها دریافت شود. بدین ترتیب طبقه ی جدیدی از نخبگان در این کشورها به وجود آمدند که تربیت شدگان ترکیه محسوب می‌شدند. این افراد پس از آموزش به کشورهای خود باز می‌گردند و در پست‌های مهم و تأثیرگذار جای می‌گیرند و به این ترتیب ترکیه توانسته پروژه‌های بزرگی در دیگر کشورها به دست آورد. این روش خوبی برای درآمدزایی و انتقال فرهنگ ترکیه بوده است (پالیزدار، ۱۳۹۱، ۲۱).

۵. سازمان دیانت ترکیه: این سازمان حدود ۲ هزار مسجد خارج از کشور را مدیریت می‌کند. حتی برای مساجدی که دیگر ترک‌ها در کشورهای مختلف جهان ساخته‌اند، امام جماعت می‌فرستد. این سازمان به ویژه در دوره ی حاکمیت حزب عدالت و توسعه، فعال تر شده و همکاری‌های بین‌المللی خود را برای برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی در این زمینه گسترش داده



است. فعالیت‌های ساختمانی بنیاد مذکور از این قرار است: ساختن و مرمت مسجد در جمهوری آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان (سایت روزنامه ی زمان، ۲۰۱۲).

۶. مؤسسه ی تیکا: ترکیه برای پشتیبانی، برنامه ریزی، تحقیق و سیاستگذاری در خصوص فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی در منطقه با فاصله ی یک سال پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۹۹۲ به ابتکار وزارت خارجه‌اش، این مؤسسه را ایجاد کرد. آژانس همکاری توسعه ی بین‌الملل ترکیه که به تیکا معروف است، با هدف کمک اقتصادی فنی، آموزشی و فرهنگی به کشورهای ترک زبان مانند: ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و آذربایجان ایجاد شده است (بخش فارسی سایت رادیو ازبک، ۱۳۹۱).

۷. مؤسسه ی تومر: این مؤسسه وابسته به دانشگاه آنکارا و مسئولیت آموزش زبان ترکی به خارجی‌ان را بر عهده دارد و به معنی مرکز آموزش زبان ترکی استانبولی می باشد (سایت مؤسسه ی تومر، ۲۰۱۷/۰۸/۲۵).

۸. رسانه‌های ترکیه در آسیای مرکزی: ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای مانند اوراسیا که ۲۴ ساعته در آسیای مرکزی و قفقاز برنامه پخش می‌کند و همچنین شبکه ی ماهواره‌ای «سامان یولو» که روزانه تا ۵ ساعت برنامه به زبان‌های آسیای مرکزی پخش می‌کند، همه و همه در جهت تعمیق روابط ترکیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی است. کانال تلویزیونی جدید آواز نیز در سال ۲۰۱۰ کار خود را آغاز کرد، این شبکه ی تلویزیونی، روزانه به چهار زبان کشورهای آسیای مرکزی و ترکی آذری با زیرنویس ترکیه‌ای برنامه پخش می‌کند. صاحب‌نظران می‌گویند در عرصه ی رسانه‌ای، ترکیه رقابت شدیدی را با روسیه در کشورهای مرکزی و جمهوری آذربایجان آغاز کرده است و این کشور، راه را برای نفوذ رسانه‌های روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز تنگ تر کرده است.

در حال حاضر در تاجیکستان ۶ آموزشگاه ترک در شهرهای دوشنبه، قورغان تپه، کولاب، تورسان زاده مشغول فعالیت می‌باشد که قرار است تعداد آنها به ۲۶ مدرسه برسد. گفته می‌شود که در این آموزشگاه‌ها بیش از ۳۰۰ نفر دانش آموز به تحصیل مشغول هستند که ۲۳۰ نفر آموزگار به آنها درس می‌دهند (۱۶۶ نفر آموزگار تاجیک و باقیمانده آموزگار ترکیه). تقریباً ۵۰۰ نفر دانشجوی تاجیکی در دانشگاه‌های ترکیه تحصیل می‌کنند. نظر به گزارش وزارت معارف تاجیکستان، همه ساله دولت ترکیه برای ثبت نام دانش آموزان تاجیک در مدارس ترکی در تاجیکستان آزمون آمادگی برگزار می‌کند. در این آزمون در سال ۲۰۱۰ حدود ۲۶۰ نفر دانش آموز شرکت کردند و تنها ۹۰ نفر حق تحصیل در مدارس را کسب کردند (شاه میرزا، ۱۳۹۰).

قزاقستان با حمایت بنیاد ترکیه «کاتیف» ۲۸ مؤسسه ی آموزشی وابسته به ترکیه را در این کشور فعال کرده است که حدود ۱۰ هزار دانش آموز به صورت تمام وقت و یا پاره وقت در آن تحصیل می‌کنند. ترکیه در سال ۱۹۹۱ در قزاقستان دانشگاه بین‌المللی قزاق- ترک «خواجه احمد یسوی» در شهر ترکستان را تأسیس کرد که هم اکنون ۳ هزار و ۵۰۰ دانشجو در آن تحصیل می‌کنند. همچنین دانشگاه دیگری به نام «سلیمان دمیرل» از سوی رؤسای جمهور دو کشور در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد. فارغ التحصیلان این دانشگاه در مؤسسه‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های خصوصی مشغول به کار می‌شود. همچنین از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۱۰ حدود ۳ هزار دانشجوی قزاق در دانشگاه‌های ترکیه تحصیل کردند و حدود هزار دانشجو از ترکیه در بهترین دانشگاه‌های قزاقستان از قبیل دانشگاه‌های آپای، فارابی و قزاقستان جنوبی مشغول تحصیل هستند (عابدینی، ۱۳۸۴، ۲۵).

در قرقیزستان دو دانشگاه و ۱۴ مدرسه ی ترکیه وجود دارد که ۱۰ هزار دانشجوی و دانش آموز قرقیزی در آنها تحصیل می کنند. مراکز آموزشی ترکیه در قرقیزستان و قزاقستان با حمایت مؤسسه ی «ثبات»، ۲۱ مؤسسه ی آموزش زبان ترکی و مدارس ترکیه ایجاد کرده اند. در این مؤسسات حدود ۸ هزار و ۵۰۰ دانش آموز قرقیزی در حال تحصیل هستند. با آنکه در قرقیزستان، دانشگاه مشترک قرقیزی - ترک، موسوم به «مناس» و «آته تورک» وجود دارد و بیشتر دانشجویان آن از شاگردان مدارس ترکیه ای این کشور هستند. همچنین طی دوران استقلال قرقیزستان از شوروی سابق حدود سه هزار نفر از جوانان قرقیزی در دانشگاه های ترکیه تحصیل کرده اند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱).

جنبش فتح الله گولن تنها در سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳، ۱۸ مجتمع آموزشی که دارای ۵۱ آزمایشگاه و ۴۱۲ دستگاه رایانه با هزینه ی ۱۱/۵ میلیون دلار در ازبکستان ساخت. با گذشت دو دهه، سال ۲۰۱۰ مؤسسات آموزشی ترکیه با ۱۵۰۰ دانش آموز، از برگزیده ترین مدارس ازبکستان محسوب می شود و ۹۴ درصد از فارغ التحصیلان آن وارد دانشگاه شدند (عابدینی، ۱۳۸۴: ۲۶). دانشگاه بین المللی ترکمن تورک که از سوی ترک ها اداره می شود، از سال ۱۹۹۴ میلادی فعالیت خود را آغاز کرده و در کنار آن، مدارس ترکمن ترک - که در تمامی مقاطع تحصیلی پیش از دانشگاه دانش آموز می پذیرد - به فعالیت آموزشی و فرهنگی مشغول است. در ترکمنستان ۱۴ مدرسه ی ترکمن - ترک، مجموعه ی آموزش زبان های خارجی باشکنت و مرکز فرهنگی جمهوری ترکیه فعالیت دارد. بر اساس آمارها بیش از یک هزار و ۶۵۲ نفر از دانش آموزان ترکمن در مدارس آموزش عالی ترکیه در رشته های مختلف تحصیل می کنند و برخی از آمارها از آموزش ۳۰ هزار نفر در نهادهای آموزشی ترکیه از ابتدای استقلال ترکمنستان تاکنون حکایت دارد (فرقانی، ۱۳۹۱).

مخالفت کشورهای آسیای مرکزی با برنامه های پان ترکی و سیاست ترکیه و جمهوری آذربایجان برای متحد ساختن کشورهای ترک زبان، نبود استقبال از برخی سیاست های فرهنگی پان ترکیست بوده است. با این که ترکیه در این کشورها به تأسیس مدرسه ها و دانشگاه ها و تشکیل کلاس های ترکی استانبولی اقدام کرده است، اما کشورهای آسیای مرکزی بر تقویت زبان های محلی ازبکی، ترکمنی، قرقیزی و قزاقی تأکید می کنند تا ایجاد زبان واحد ترکی مورد نظر آنکارا و باکو. این کشورها همچنین با پیشنهاد ترکیه برای تغییر الفبای سیریلیک به لاتین چندان استقبال نکردند؛ از میان این کشورها تنها ازبکستان، ترکمنستان و آذربایجان الفبای لاتین را انتخاب کردند. اما با همه ی اینها این کشورها، خود را با خط موجود لاتین در ترکیه سازگار نکردند (Kardas, 2008).

**آمریکا:** آمریکا در عرصه ی آموزش و امور فرهنگی نیز تلاش دارد برتری خود را نسبت به رقبای دیگر در منطقه حفظ نماید که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف) همکاری های علمی - آموزشی و دانشگاهی؛ شامل: راه اندازی و تأسیس دانشگاه های مشترک از قبیل دانشگاه قرقیز - آمریکا در بیشکک، دانشگاه قزاق - آمریکا در آلماتا و تجهیز کتابخانه های مهم این کشورها به وسایل کمک آموزشی، مانند: دانشگاه آبیلاخان در قزاقستان و همکاری الکترونیکی کتابخانه ای با کتابخانه ی ملی جمهوری قزاقستان جهت تبادل و انتقال سریع کتاب.

ب) جذب و گزینش دانش آموزان تیزهوش و مستعد سال پایانی دبیرستان؛ این برنامه با هدف جذب بهترین دانش آموزان و اعزام آنها برای تحصیل در مدارس آمریکا و زندگی با خانواده های آمریکایی در کوتاه مدت (یک سال) انجام می شود در دانشگاه ها نیز از سوی شورای مبادلات و پژوهش های بین المللی موسوم به "IREX" از طریق کنکور، بهترین ها را برای

تحصیل در کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا بر می‌گزینند. این برنامه‌ها با عنوان «تبادل رهبران آینده» به اجرا در می‌آید و از سوی بخش ارتباطات آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه حمایت مالی می‌شود. تنها در ترکمنستان از سال ۱۹۹۳ تا کنون بیش از ۷۰۰ تن از اتباع این کشور در آمریکا تحصیل کرده‌اند. در قرقیزستان نیز دانشگاه مشترک آمریکا- قرقیز به تربیت دانشجوی در رشته‌های مورد نیاز مشغول است.

ج) اعزام سپاه صلح؛ که این سپاه به صورت داوطلبانه از بین دختران و پسران آمریکایی به منظور آموزش زبان انگلیسی و مساعدت در امور بهداشتی و پزشکی و تغذیه‌ی نوزادان و بانوان به کشورهای منطقه اعزام می‌شود. در ترکمنستان از سال ۱۹۹۳ براساس موافقتنامه‌ی همکاری بین دو کشور، این فعالیت آغاز شده است و تاکنون حدود ۴۰۰ تن در قالب ۱۳ گروه آموزشی مأموریت خود را به انجام رسانده‌اند. مدت مأموریت سپاه مذکور، دوسال است و اعضای آن قبل از آغاز رسمی کار خود، در دوره‌های اجباری که به منظور آموزش زبان ترکمنی و آشنایی با خصوصیات فرهنگی، معیشتی و آداب و رسوم مردم ترکمنستان برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند.

د) بنیاد سوروس؛ در میان مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، بنیاد سوروس که یک مرکز غیردولتی است، فعالیت منسجم و گسترده‌ای در بسیاری از کشورهای جهان از جمله آسیای مرکزی و قفقاز دارد. این بنیاد با هدف نفوذ در میان دولتمردان از طریق مجامع و سازمان‌های غیردولتی، ایجاد ارتباط می‌کند. جورج سوروس یکی از سرمایه‌داران بزرگ یهودی مقیم آمریکا است که در جهت اهداف آمریکا با دولت و نیروهای امنیتی این کشور همکاری دارد. بنیاد مذکور شعبه‌های مختلفی در قفقاز و آسیای مرکزی دایر کرده است و بیشترین حجم فعالیت آن در کشور ارمنستان و در قالب طرح‌های تحقیقاتی، آموزشی، فرهنگی، بهداشت عمومی، چاپ و نشر و اینترنت می‌باشد (عابدینی، ۱۳۸۴).

روسیه: جامعه‌ی علمی روسیه به خوبی از لزوم رقابت با آمریکا در حوزه‌ی قدرت نرم آگاه است و به روش‌ها و ابزارهای آن توجه دارد. روس‌ها بیش از هر چیز به همکاری در زمینه‌های اجتماعی و آموزشی در سطح دوجانبه و منطقه امید بسته‌اند. به این منظور پیشنهاد شده دانشگاه‌های مناطق مختلف روسیه بیشتر در مبادلات آکادمیک فعال شوند و شمار برنامه‌هایی که برای ارتقای منافع روسیه در منطقه طراحی شده است، افزایش یابد. دیپلماسی عمومی شوروی در جهت ایجاد تصویر یک قدرت بزرگ سوسیالیستی و رقیب غرب سرمایه‌داری، عمل می‌کرد. امروزه نهادهایی مانند "جهان روسی" می‌خواهند با پیروی از رهبران جهان غرب، با تکیه بر جاذبه‌های زبانی و فرهنگی، تصویری مثبت از روسیه‌ای بیافرینند. فدراسیون روسیه در رقابت با ایالات متحده می‌کوشد ایده‌ها و ارزش‌های جهانشمول و جذابی به مخاطبان ارائه کند. تصویر مثبت روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز به دوره‌ی شوروی برمی‌گردد. ایده‌ی مسکو به عنوان مرکز کارآمد قدرت و عدالت در خودآگاه جمعی، بازتولید و از طریق خانواده‌ها و سایر کانال‌های غیر رسمی به نسل‌های بعد منتقل شده است (Forminykh, 2010, 73-77). بنابراین، روسیه به قدرت نرم بی‌اعتنا نیست.

به گفته لاوروف، روسیه برای ایجاد همکاری‌های بشردوستانه، از جمله با هدف تشکیل یک فضای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی، اهمیت زیادی قائل است. به زعم آنان، اینکه زبان روسی به عنوان زبان مادری اول و دوم برای روس‌ها مایه‌ی افتخار است. از سوی دیگر، روس‌ها به ویژه در ترغیب نسل جوان به آموزش زبان روسی توجه بسیاری دارند. بیش از ۱۵۰،۰۰۰ دانش آموز از آسیای میانه در دانشگاه‌های روسیه ثبت نام کرده‌اند. حدود ۴۶ هزار نفر از آنها از بودجه‌ی فدرال روسیه، کمک هزینه‌ی تحصیلی دریافت می‌کنند. شاخه‌های محلی دانشگاه‌های پیشرو در روسیه، پرسنل بسیار متخصص ماهر

را برای طیف وسیعی از مشاغل تقاضا دارند. با هماهنگی میان رؤسای جمهور، ۲۸ معلم از مناطق مختلف روسیه در ماه آگوست سال جاری (۲۰۱۷)، برای کار در مدارس محلی وارد شده و ۶۰،۰۰۰ کتاب درسی روسی اهدا شده‌اند. امکان ساخت پنج مدرسه ی روسی در شهرهای بزرگ کشور مورد مطالعه قرار گرفته است. گازپروم، بودجه‌ای برای ساختن دانشکده ی عمومی اسکندر پوشکین در ترکمنستان فراهم کرده است که با موفقیت کار می‌کند. یک پروژه برای ایجاد یک مدرسه ابتکاری آموزشی عمومی در قرقیزستان در حال اجرا است. مدرسه ی آنتون چخوف، در سپتامبر ۲۰۱۶ با پشتیبانی بنیاد صلح روسیه در بیشکک افتتاح شد. مراکز علمی و فرهنگی روسیه، دوره‌های منظم آموزش زبان روسی دارند (Lavrov, 2017).

چین: در دو دهه پس از استقلال، پکن به یکی از شرکای اصلی آسیای مرکزی تبدیل شده است. حضور و نفوذ رو به رشد چین در آسیای میانه، بخشی از دستورهای داخلی، تغییرهای اجتماعی و روایت‌های ملی این کشور را تشکیل می‌دهد. چین به عنوان دومین کشور پرنفوذ در آسیای مرکزی، به دلیل اقلیت ایغور و جلوگیری از جدایی طلبی آنها، روابط بسیار نزدیکی با کشورهای آسیای مرکزی دارد. این کشور به لحاظ اقتصادی دومین کشور تأثیرگذار در آسیای مرکزی است (Peyrouse, 2016, 14).

براساس آمار وزارت آموزش و پرورش چین در سال ۲۰۱۵، در مجموع ۳۹۷ هزار و ۶۳۵ دانشجو از ۲۲ کشور و منطقه در سراسر جهان در ۸۱۱ دانشگاه، پژوهشگاه و نهادهای آموزشی دیگر از ۳۱ استان منطقه ی خودمختار و شهرهای تحت اداره ی مستقیم دولت مرکزی چین تحصیل کرده‌اند که در این زمینه پکن، شانگهای و گوانگ‌جو بیشترین دانشجویان یاد شده را جذب کردند. کشورهای مسیر «یک کمربند یک جاده» به منطقه ی مهم منشا دانشجویان خارجی بدل شده‌اند. کره جنوبی، آمریکا، تایلند، روسیه، پاکستان، ژاپن، قزاقستان، اندونزی و فرانسه در ده مقام اول کشورهای منطقه ی دانشجویان خارجی که برای تحصیل وارد چین شده‌اند، قرار دارند (رادپوی بین المللی چین، ۱۳۹۵).

هرچند آموزش و تبادل دانشجو نشان‌دهنده ی تلاش برای توسعه ی دیپلماسی عمومی خود در منطقه ی آسیای مرکزی می‌باشد، نباید از دیگر عواملی که سبب تحکیم پیوندهای چین با این منطقه شده نیز غافل شد. یکی از تأثیرات چین در منطقه ی مرکزی از بعد فرهنگی، تأثیر فرهنگ این کشور در منطقه است. موسیقی، فیلم‌ها و کالاهای مصرفی چینی در کشورهای مختلف آسیایی به شکل روز افزون مورد توجه قرار می‌گیرند که این توجه، به ویژه در میان جوانان قابل مشاهده است. امروزه در منطقه، فرهنگ چینی در واقع به عنوان رقیبی در مقابل فرهنگ روسی تبدیل شده است. نکته ی مورد توجه این است که در سال‌های ابتدایی استقلال کشورهای منطقه، چین تلاش زیادی به طور رسمی در این منطقه انجام نداد و افزایش نفوذ این کشور در نتیجه ی ارتباطات فردی و مردمی بین چین و کشورهای این منطقه صورت گرفته است (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

ژاپن: به دلیل موقعیت کشورهای آسیای مرکزی به لحاظ انرژی، ژاپن علاقه ی بسیاری به نزدیکی به این کشورها دارد. این کشور با قزاقستان در بهترین و بالاترین حالت در زمینه‌های تکنولوژی، توسعه ی اقتصادی، توسعه ی فرهنگی و آموزش و پرورش و فرهنگ کار همکاری می‌نماید. در ازبکستان، ژاپن به دنبال به‌روز کردن تکنولوژی‌ها، تنوع در تجربیات، رسیدن به بالاترین توسعه ی اقتصادی برای افزایش درآمد مردم و از همه مهمتر حفظ ذهنیت و سنت‌های ملی و نشان دادن تجربه ی همبستگی و همزیستی میان سنت‌های مادی و معنوی است. توسعه ی اقتصادی و فناوری برای آگاهی بیشتر مردم آسیای مرکزی با مشکلات و چالش‌های مختلفی روبه رو است. بیشتر مراکز و نمایندگی‌های فرهنگی ژاپن در مناطق مختلف تاجیکستان، مانند مبادلات دانشجویان و برنامه‌های تخصصی و مدرنیزاسیون تفکر سنتی در این کشور از راه حل‌های ژاپن در

تاجیکستان است. در قرقیزستان که به لحاظ منابع طبیعی فقیرترین کشور آسیای مرکزی است، تجارت در سیستم دولتی، تجربه‌های اقتصادی و تجربه‌های توسعه اقتصادی برای ژاپن اهمیت دارد (Rakhimov, 2014, 85). دو کشور قرقیزستان و تاجیکستان برای احیای خود به شدت نیازمند به سرمایه‌گذاری خارجی هستند. طی سفر شینزوآبه نخست وزیر ژاپن در سال ۲۰۱۵ به کشورهای آسیای مرکزی، چندین طرح آموزشی ژاپن در ترکمنستان و ازبکستان (مرکز نوآوری جوانان که به طور مشترک ژاپن و ازبکستان اجرا کرده‌اند)، تأسیس شده است. چنین حمایت‌هایی از سوی ژاپن سبب تقویت رویکردهای کاربردی این کشور در آسیای مرکزی می‌شود و به ژاپن کمک می‌کند سیاست‌های این کشور با درجه‌ای بالاتر و اثربخشی بهتری در آسیای مرکزی به انجام برسد (Dadabaev, 2016, 33).

در دو دهه گذشته، توکیو آرام آرام توجه افزونتری به این منطقه داشته است و با توسل به ابزارهایی تلاش کرد تا نفوذ خود را در منطقه بالا برد. اما در یک سال اخیر با اصلاح سیاست دفاعی - امنیتی در کنار افزایش قدرت نظامی چین، همکاری نظامی با آمریکا، داشتن یک «ارتش قدرتمند» و حق حضور در جنگ‌های بین‌المللی در حالی از سوی مقامات ژاپنی مورد توجه قرار گرفته است که در گزارش جدید دفاعی سالانه ی ژاپن، چین تهدید معرفی شده است. از سوی دیگر با توجه به تغییر محیط امنیتی در شرق آسیا و گسترش قدرت چین، طرح دفاع ۱۰ ساله ی ژاپن پیشنهاد رقابت بیشتر در مقابل رشد چین را در نظر دارد. لذا اقدامات ژاپن در راستای گسترش روابط سیاسی با آسیای مرکزی و سفر دوره‌ای به این منطقه در قالب تقویت موقعیت خود در مقابل رشد فزاینده ی چین در منطقه، تحلیل می‌شود. در بعدی دیگر، حضور بیرونی ژاپن در آسیای مرکزی و بستر سازی برای گسترش روابط همه جانبه با کشورهای این منطقه در جهت منافع آمریکا ارزیابی می‌گردد. از نگاه پنتاگون سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه ی نظامی، توانایی نظامی چین و قابلیت‌های این کشور را از آسیا فراتر می‌برد. لذا در نگاه به خاور دور، محاصره ی هر چه بیشتر چین و ائتلاف سازی مد نظر است و ژاپن با قدرت اقتصادی بزرگ، گزینه ی خوبی برای مهار چین است. در واقع، ژاپن مانند بسیاری از کشورهای غربی دیگر، پیرو سیاست‌های آمریکا است و در استراتژی آمریکا در نگاه به خاور دور و رویکرد ائتلاف سازی گزینه ی خوبی برای مهار چین می‌باشد. بنابراین تقویت نسبی حضور ژاپن در شمال غرب چین می‌تواند به نفع آمریکا هم باشد.

اسرائیل: اسرائیل به عنوان کشوری است که هم همسایگی جغرافیایی و هم از سوی دیگر زبان و فرهنگ مشترکی با کشورهای منطقه ندارد، اما از نفوذ بسیار مهمی در میان کشورهای منطقه برخوردار است. روابط اسرائیل با کشورهای آسیای مرکزی همچنان بر روی بهبود شرایط ساکنان یهودی در بخارای ازبکستان متمرکز است. بخشی از تلاش اسرائیل برای جلوگیری از مهاجرت یهودیان منطقه به اسرائیل را در بر می‌گیرد. این کشور صدها مبادله ی آموزشی، جذب متخصص از آسیای مرکزی به اسرائیل جهت آموزش در زمینه‌های گوناگون برای همکاری‌های بین‌المللی بین اسرائیل و کشورهای منطقه را انجام می‌دهد (Blua, 2001).

عربستان سعودی: عربستان به عنوان کشوری که بر اساس راهبرد ایدئولوژیک خود در صدد گسترش ایدئولوژی وهابیت در منطقه ی مزبور برآمده است. این کشور یکی از معدود کشورهای جهان است که سیاست‌های آموزشی خود را بر مبنای الگوی ایدئولوژیک تنظیم می‌کند. ایدئولوژی ای که به دلیل ماهیت برهم زندگی نظم محیطی خود در خاورمیانه، شکل متمایز و منحصر به فردی داشته است و توسط این کشور اشاعه داده می‌شود. این کشور با فهم نقش آموزش در فرآیند بساخت هویتی و تصویرسازی درصدد برآمده تا از ابزار دیپلماسی آموزشی، انگاره‌ای موجه از خود را جایگزین انگاره‌ی منفی پیشین نماید.

ساخت مدارس اسلامی، پیشنهاد بورس‌های تحصیلی به جوانان و سرمایه‌گذاری در امور مذهبی از جمله فعالیت‌های آموزشی عربستان در آسیای مرکزی به ویژه در جهت مقابله با نفوذ ایران می‌باشد (دهشیری و طاهری، ۱۳۹۵، ۱۹).

### نتیجه‌گیری

اهمیت قدرت نرم در روابط کشورها در عصر حاضر افزایش یافته است. کشورهای مختلف برای جلوگیری از عقب ماندگی علمی در جهانی که مدیریت دانش از مهمترین مسائل عصر جدید است، دیپلماسی علمی را مورد توجه قرار داده‌اند. دیپلماسی علمی نیز از ابزار قدرت نرم می‌باشد. داشتن دیپلماسی علمی و استفاده از آن به بهترین وجه، نتایجی برای کشورهای مبدأ و هدف خواهد داشت. کشورها با استفاده از منابع انسانی خود می‌توانند در کشور مقصد فعالیت‌هایی متناسب با توان علمی خود به اجرا گذاشته و بازخورد مناسبی برای کشور مبدأ داشته باشد. از سویی کشورهایمانند ایران که بیکاری نخبگان، از معضلات مهم این کشور است، کاهش می‌یابد و از سوی دیگر حضور فعال در کشور مقصد برای کشور مبدأ حائز اهمیت خواهد بود. از جمله ابزارهای مهم و مؤثری که دولت‌ها را ترغیب به استفاده از دیپلماسی عمومی می‌نماید، تبادلات علمی و فرهنگی نخبگان و دانشگاهیان کشورها می‌باشد. برای دستیابی به این مهم، دادن بورسیه‌های دانشجویی، ایجاد انجمن‌های فعال دانشجویی، دعوت از روشنفکران کشورها جهت بازدید از پیشرفت‌های علمی کشور مبدأ و غیره می‌توانند در خلق چهره‌ی مثبت و تأثیرگذار بر افکار نخبگان یک کشور در مقام رهبران و تأثیرگذاران افکار عمومی یک ملت بسیار مهم قلمداد گردد. در واقع از این طریق می‌توان با هزینه‌ی کمتر حوزه‌ی نفوذ بیشتری در خلق تصویر و چهره‌ی مثبت از سیاست‌ها و اقدامات یک دولت در سایر ملتها پدید آورد. با توجه به اینکه افراد تحصیل کرده‌ی کشور که در سایر کشورها تحصیل کرده‌اند، در آینده می‌توانند در مناصب اجرایی کشور خودشان قرار گیرند و مجری سیاست‌های کشور محل تحصیلشان باشند، از این رو تأثیرگذاری بر افکار نخبگان یک جامعه و یک ملت از جمله اهداف بلند مدت یک کشور تلقی می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران پس از فروپاشی شوروی و به دنبال آن، شکل‌گیری جمهوری‌های جدید در نقشه‌ی جهانی و در همسایگی خود، فرصت‌های بسیار مهم و خوبی را در زمینه‌های مختلف از دست داده است. ایران به عنوان کشوری که در همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی قرار دارد، ظرفیت‌های بالقوه فراوانی از قبیل: تاریخ، فرهنگ و دین مشترک با این کشورها دارد. ایران در عرصه‌ی تکنولوژی و در برخی فناوری‌های روز دنیا در رده‌ی اول تا دهم قرار دارد و می‌تواند با داشتن این مزیت، رقابت خود را کنار زند. با توجه به جمعیت جوان و بیکار ایران که برای کسب درآمد و موقعیت شغلی بهتر به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند، می‌توان از این ظرفیت در کشورهای همسایه استفاده کرد و برای این طیف از جوانان در کشورهای هدف پروژه‌هایی تعریف کرد و با یک تیر دو نشان زد. متأسفانه ایران در رقابت با رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود در حوزه‌ی آسیای مرکزی بسیار عقب مانده است. اینکه ایران در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب نتوانسته است حرفی برای گفتن داشته باشد، ناشی از دو نکته است: نخست اینکه هرگز قدرت نرم و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در این حوزه، در اولویت منافع ملی نبوده است و همچنان تعریف از قدرت، قدرت نظامی است (همان طور که این نوع قدرت همچنان مهم است، ولی به قیمت نادیده گرفتن قدرت نرم و به طور یک جانبه افزایش یافته است)، دوم، به واسطه‌ی حضور رؤسای بدقول دانشگاهی ایران، وجه علمی و فرهنگی ایران در کشورهای آسیای مرکزی بسیار مخدوش شده است. امید است در

جهت بهبود این مهم، دانشگاه‌های ایران تا جایی که امکان دارد جزیره‌ای عمل نکرده و متمرکز با وزارت علوم و وزارت امور خارجه همکاری نمایند.



## منابع

## الف) فارسی

۱. ارس، بولنت، عمر کاها (۱۳۸۱)، «جنش اسلامی لیبرالی در ترکیه: اندیشه های فتح الله گولن»، مترجم سیداسدالله اطهری، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۳۲، صفحه ۸۲-۵۹.
۲. بی نا(۱۳۹۵)، تحصیل ۴۰۰ هزار دانشجوی خارجی در چین در سال ۲۰۱۵، رادیو بین المللی چین، آذر ۹۶، <http://persian.cri.cn/921/2016/04/15/161s160184.htm>
۳. پالیزدار، فرهاد (۱۳۹۱)، *الگوی دیپلماسی فرهنگی ترکیه*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۴. حافظ نیا، محمدرضا، محمود شمس آبادی و محمدحسین افشردی (۱۳۸۶)، «علائق ژئوپلیتیک ایران در آسیای مرکزی و فرصت های پیش رو»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۱۹-۷۸.
۵. سنایی، مهدی (۱۳۹۰)، *روابط ایران و آسیای مرکزی: روندها و چشم اندازها*، تهران، وزارت امور خارجه.
۶. عابدینی، محدحسین (۱۳۸۴)، فعالیت های فرهنگی دولت های خارجی در آسیای مرکزی، *ماهنامه ایراس*، شماره ۴.
۷. عزیز، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی: رویکردها، ابزار و اهداف»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۸، صص ۱۱۲-۵۷.
۸. کولایی، الهه (۱۳۹۱)، *سیاست و حکومت در آسیای مرکزی*، تهران، سمت.

## ب) انگلیسی

1. Blua, Antoine(2001), *Israel Emerges as a Player in Central Asia*, (Available on 2017/09/29), at: <http://www.eurasianet.org/departments/business/articles/eav081501.shtml>.
2. Committee on Global Science Policy and Science Diplomacy, National Research Council(2011), *U.S. and International Perspectives on Global Science Policy and Science Diplomacy: Report of a Workshop*, (Available on 2017/09/29) at:
3. [http://www.nap.edu/catalog.php?Record\\_id=13300](http://www.nap.edu/catalog.php?Record_id=13300).
4. Dadabaev, Timur(2016), "Japan's ODA assistance scheme and Central Asian engagement: Determinants, trends, expectations", *Journal of Eurasian Studies*, No.7, Pp. 24-38.
5. Fedoroff, Nina V(Jan.2009), "Science Diplomacy in the 21<sup>st</sup> Century", *Cell*, Vol.136, No.1, Pp.9-11.
6. Kardas, Saban(2008), "Turkey Pushes for Closer Political Ties within the Turkic speaking Word", *Eurasia Daily Monitor*(Available on 2017/09/28) at:
7. <https://www.al-monitor.com/pulse/search-results.html?queryTerm=Turkey+Pushes+for+Closer+Political+Ties+within+the+Turkie+speaking+Word>.
8. Lavrov, Sergey(2017), *Russia-Central Asia: A Time-Tested Partnership*, ( Available on 2017/11/28) at: <http://www.mid.ru>



9. Melissen, Jan(2005),*The New Public Diplomacy*, New York, Palgrave Macmillan.
10. Peyrouse, Sébastien(2016), “Discussing China: Sinophilia and sinophobia in Central Asia”, *Journal of Eurasian Studies*, No.7. Pp.14-23.
11. Rakhimov, Mirzokhid(2014), “Central Asia and Japan: Bilateral and multilateral relations”, *Journal of Eurasian Studies*, No.5, Pp.77-87.
12. Turekian, Vaughan, C.& Norman.P. Neureiter(2012/03), “Science and Diplomacy: The Past as Prologue”, *Science and Diplomacy*, Vol.1, No.1, Pp.26-29(Available on 2017/10/05) at:
13. <http://www.sciencediplomacy.org/editorial/2012/science-and-diplomacy>.
14. TWAS(2016), *Science Diplomacy*, (Available on 2017/09/29), at: [http://www.twas.org/ Science – Diplomacy](http://www.twas.org/Science-Diplomacy).
15. Turekian, Vaughan C. & Norman P.Neureiter(2012), “Science and Diplomacy: The Past and Prologue”, *Science and Diplomacy*, [http://www. Sciencediplomacy.org/editorial/2012/ Science-and- Diplomacy](http://www.Sciencediplomacy.org/editorial/2012/Science-and-Diplomacy).

